

ملاحظاتنی درباره عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و آل سعود

طبق نظرسنجی که نتایج آن اخیراً منتشر شد، اکثر عربستانی‌ها عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را نمی‌خواهند. نتایج نظرسنجی موسسه مطالعات خاور نزدیک واشنگتن نشان می‌دهد، در این کشور فقط اقلیتی کوچک از عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل حمایت می‌کنند که همین اقلیت هم در حال کاهش است.

به گزارش سایت خبری پرسون، جعفر بلوری در یادداشتی نوشت: عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم آپارتاید اسرائیل چقدر جدی است؟ شکراب شدن روابط دولت بایدن و عربستان چگونه؟ آیا آشتی ایران و عربستان، به نتیجه مطلوب می‌رسد؟ در این تحلیل تلاش می‌کنیم پاسخ این سه سؤال مهم را که این روزها درباره آنها زیاد می‌شنویم بیابیم. بخوانید:

گزارش‌های متعددی از رسانه‌های همین غرب منتشر شده است که نشان می‌دهد، رژیم اسرائیل و عربستان مدت‌هاست با یکدیگر ارتباط دارند و اخبار و گزارش‌هایی که این روزها راجع به حرکت این دو به سوی «عادی‌سازی» روابط منتشر می‌شود، در واقع، حرکتی است به سوی «عنی‌سازی» این روابط و هدف نیز بیش از هر چیز، «اقناع‌سازی» است. «اقناع‌سازی» اصطلاحی است در علوم اجتماعی که می‌گوید، قدرت‌ها وقتی می‌خواهند کاری کنند که ممکن است، با مخالفت‌های گسترده مردمی صورت بگیرد، ماه‌ها و شاید حتی سال‌ها با انتشار اخبار و گزارش‌های مرتبط و مهندسی شده تلاش می‌کنند مردم را قانع و با خود همراه کنند. [مثل کاری که آمریکا با استفاده از رسانه از مدت‌ها قبل از حمله به عراق انجام داد و افکار عمومی‌اش را آماده آن کرد] بنابر این اگر همین فردا شنیدید اعلام شد، روابط عربستان و رژیم اسرائیل عادی شد، اصلاً تعجب نکنید چون، هیچ اتفاق تازه‌ای جز این که، یک رابطه عمیق و قدیمی عنی شده، رخ نداده است. همین عنی شدن روابط اما برای عربستان، با تهدیدهایی همراه خواهد بود و بزرگ‌ترین تهدید برای سعودی‌ها نیز از سوی مردم همین کشور است. مردم عربستان مثل بسیاری از مردم کشورهای عربی و اسلامی، به شدت مخالف صهیونیست‌ها هستند.

طبق نظرسنجی که نتایج آن اخیراً منتشر شد، اکثر عربستانی‌ها عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را نمی‌خواهند. نتایج نظرسنجی موسسه مطالعات خاور نزدیک واشنگتن نشان می‌دهد، در این کشور فقط اقلیتی کوچک از عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل حمایت می‌کنند که همین اقلیت هم در حال کاهش است. به این مهم نیز باید توجه داشت که عربستان، همواره خود را خادم حرمین شریفین-دو مسجد از مقدس‌ترین مساجد اسلامی -یعنی، مسجدالحرام و مسجدالنبی معرفی کرده است. قرار گرفتن چنین جایگاهی در کنار یکی از جنایتکارترین رژیم‌های جهان، آبرویی برای آنها نخواهد گذاشت. عنی‌سازی روابط اگر برای صهیونیست‌ها چند آورده سیاسی پر سر و صدا داشته باشد، قطعاً برای آل سعود جز رسوایی و بی‌آبرویی در جهان اسلام چیزی نخواهد داشت. این که چه زمانی این «عنی‌سازی» روابط رخ خواهد داد نیز برای ما معلوم نیست. طبق گزارش‌هایی که رسانه‌ها منتشر کرده‌اند، طرفین خواسته‌هایی دارند که در برخی موارد، جزو خطوط قرمز طرف دیگر است. این یعنی، همین عنی‌سازی روابط نیز در صورت تحقق، با پیچ و خم‌ها، چالش‌ها و پیچیدگی‌هایی مواجه خواهد بود.

درباره مسئله شکراب‌شدن و اختلافات دولت فعلی آمریکا با عربستان نیز باید گفت، اگرچه بن سلمان نشان داده، سربرنگاه‌ها، آمریکایی‌ها را با ابزار نفت، تحت فشار قرار می‌دهد ولی این اختلافات که هر از گاهی بروز می‌کند، تا کنون باعث قطع روابط این دو نشده است. اساساً روابط عربستان و آمریکا و زیرساخت‌های سیاسی، نظامی و بعضاً حتی اقتصادی عربستان به شکلی تنظیم شده که آل سعود بدون غرب دچار مشکلات اساسی شود. در برخی امور مثل مسئله انرژی این موضوع درباره غرب هم صدق می‌کند و غربی‌ها به عربستان وابستگی‌هایی دارند. ما نمی‌گوییم این دو کشور با یکدیگر دچار اختلاف نمی‌شوند. می‌شوند؛ آنها دچار اختلافات جدی هم می‌شوند. می‌گوئیم، روابط این دو به گونه‌ای تنظیم شده که به این سادگی‌ها شکراب نمی‌شود. نحوه برکنار شدن «بن نایف» ولیعهد سابق عربستان و نشستن بن سلمان بر جای او را اگر مرور کنید، چگونگی و شکل این روابط، برایتان تا حدودی معلوم خواهد شد. فقط این را بدانید که، «بن نایف» آدم کمی نبود و کم قدرت نداشت و کسی هم در عربستان یارای برکناری‌اش را نداشت!

راجع به آشتی ایران و عربستان نیز تا این لحظه-اگر چه با کُندی- اتفاقات خوبی رخ داده است. بازگشت آرامش نسبی به میادین جنگ یمن، گشایش‌های نسبی در محاصره این کشور، مذاکراتی که بین انصارالله و هیئت سعودی ادامه دارد و طرفین آنها را «رو به جلو» ارزیابی می‌کنند و... همه نشان می‌دهد، که می‌توان و باید به نتیجه‌بخش بودن این آشتی امیدوار بود. اما درباره این که چرا این مذاکرات و آشتی، آن‌طور که باید سریع جلو نمی‌رود، گفتنی‌هایی هست:

در یک نشست تخصصی بین کارشناسان حوزه عربستان و یمن، یکی از کارشناسان از خصوصیات فردی و شخصیتی اعراب عربستان و یمن صحبت می‌کرد. به گفته او، نه عربستانی‌ها و نه یمنی‌ها، به این سادگی‌ها اهل دادن امتیاز نیستند. بگذارید عین جمله این کارشناس را برایتان نقل قول کنم: «آنها اگر فقط خودشان دو طرف مذاکره باشند، تا قیام قیامت هم که با هم مذاکره کنند، به نتیجه نمی‌رسند مگر این که، طرف‌های ثالثی ورود کرده و مذاکرات را به سمت یک هدف هدایت کنند.» به گفته او، این ویژگی خاص فرهنگی و شخصیتی، همواره در یمنی‌ها و عربستانی‌ها وجود داشته و امری تاریخی است. قطعاً این موضوع در روند مذاکرات موثر بوده است. ولی تنها دلیل کُندی مذاکرات نیز نیست. آنچه گفته شد به معنای آن نیست که، این مذاکرات-بین ایران عربستان و بین انصارالله و عربستان- به نتیجه مطلوب نخواهد رسید؟ مذاکرات مسیر طبیعی خود را طی می‌کند و طرفین باید بقیه مسیر را با هوشیاری طی کنند.

از آن سو باید به این نکته مهم هم توجه شود که، انصارالله امروز، با انصارالله فروردین سال ۹۴ تفاوت‌های بنیادینی کرده است. یک دلیل نزدیک برای این ادعا، باز می‌گردد به اتفاقی که همین چند روز پیش در ایران و یمن رخ داد.

اواخر شهریور ماه تصاویری از رژه باشکوه انصارالله منتشر شد. تصاویری که قطعاً عربستانی‌ها را بیش از بقیه غافلگیر کرد! همزمان تصاویری از مراسم باشکوه رژه ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در کشور خودمان منتشر شد. اگر تصاویر دو رژه را با هم مقایسه کنید، رژه آنها -چه به لحاظ بزرگی و نظم و چه از نظر سلاح‌هایی که به نمایش گذاشته شد، درست مثل رژه ما «عالی» بود. و انصارالله در این رژه هم نشان داد، چقدر با انصارالله سال ۹۴ متفاوت است.

به این مهم هم توجه کنید که، انصارالله یمن در حالی که با ۵۶۵ قطعه شناور-از کشتی‌های جنگی غول پیکر تا کشتی‌های کوچک-از کشورهای مختلف فقط از دریا کنترل می‌شود تا یک گلوله فشنگ به دستشان نرسد. این کشور از آسمان و زمین نیز کاملاً محاصره است. این که یمنی‌ها به ویژه انصارالله چگونه طی کمتر از ۸ سال، به چنین قدرتی می‌رسند، نیاز به بررسی جداگانه‌ای دارد ولی قطع و یقین بدانید، یکی از مهم‌ترین دلایل این رشد حیرت‌انگیز، در ویژگی‌های فردی و شخصیتی جامعه یمن است. فقط به عنوان یک نمونه به این موضوع توجه کنید که یمن، با وجود نابودی زیرساخت‌هایش در جنگ نابرابر با نزدیک به ده کشور-از جمله آمریکا، انگلیس، امارات، عربستان و رژیم جعلی صهیونیستی- در برخی حوزه‌ها مثل حوزه برق، از کشورهای زیادی جلوتر است. با جمعیتی بالغ بر ۳۷ میلیون نفر، سالانه ۱۱ میلیارد دلار فقط واردات دارد و...نحوه استقلالشان در تامین برق و قرار گرفتن این کشور جزو ۱۰ کشور اول دنیا در این حوزه هم ارتباط مستقیمی با همین روحیه منحصر به فردشان دارد. به گفته آن کارشناس «یمنی‌ها منتظر نمی‌مانند کسی از راه برسد و مشکلشان را حل کند» و همین روحیه باعث ابداع روش‌ها و ابتکارات عجیبی توسط آنها در حوزه کشاورزی و تولید برق شده است.

می‌خواهیم بگوییم، یمنی‌ها-با آن ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند- امروز آن قدر قدرتمند شده‌اند که در صورت از سرگیری جنگ، نیاز به حمایت هیچ کشوری نداشته باشند و همین قدرت می‌تواند، موتور مذاکرات صلح را روشن نگه دارد. ما همچنان معتقدیم، مذاکراتی که بین ایران و عربستان و همین‌طور انصارالله و عربستان در جریان است، مهم است چون معتقدیم توافق و آشتی با عربستان- در صورت برهم نخوردن آن- به معنای آشتی با کشورهای امارات، قطر، اردن، بحرین و...هم هست و کمترین دستاورد آن برای همه این کشورها و منطقه، صلح، بهبود شرایط اقتصادی و امنیتی، جلوگیری از هدر رفت توان و انرژی و هزینه‌هایی که صرف تقابل طرفین با یکدیگر می‌شد، خواهد بود.

منبع: کیهان